



## آثار ثواب و گناه بر زندگی پس از مرگ بر اساس متون زرتشتی

دکتر زهرا تبریزی شهروی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

### چکیده

زرتشتیان معتقد به زندگی پس از مرگ هستند و در متون اوستایی و پهلوی مکرراً به حیات پس از مرگ اشاره شده است. در دین زرتشتی کیفر و پاداش برای گناهکاران و نیکوکاران در نظر گرفته شده و سه جایگاه بهشت و دوزخ و همیستگان (برزخ) در جهان پس از مرگ برایشان مقرر گردیده است. لذا فرجام فرد متأثر از اعمال ارادی اوست. در بیشتر آثار پهلوی به نتایج ثواب و گناه اشاره شده است که مبتنی بر روایات و سنت‌های دینی زرتشتیان در دوران ساسانی است و عمدتاً در سده‌های نخستین دوره اسلامی تدوین شده‌اند. از بن مایه آنها سفارش به انجام کرفه (کار نیک) و پرهیز از گناه و پادفره (مجازات) گناهان در تن پسین، بخشندگی راستی و ... است. آثار معروف دینی به زبان پهلوی که به امور دینی پرداخته عبارتند از شایست ناشایست، روایت امید اشوهشتان، ماتیکان هزار دادستان، پرسش‌نیا و پیمان‌نامه زناشویی که تمامی این آثار به ارزش مسائل اخلاقی پرداخته‌اند.

**کلیدواژگان:** متون زرتشتی، کرفه، گناه، پادفره، تن پسین، پرسش‌نیا



## مقدمه

زندگی پس از مرگ از مطالب بسیار مهم و مورد بحث در تمامی ادیان است و نقش گناه و ثواب در جایگاهی که فرد بعد از مرگ به دست می‌آورد بسیار مهم است و در همه ادیان به انجام کار ثواب و پرهیز از گناه برای داشتن جایگاه بهتر در جهان پس از مرگ توصیه شده است. از جمله این ادیان دین زرتشتی است که سفارش فراوان به انجام اعمال نیک و دوری از کارهای ناشایست شده که آثار این توصیه‌ها در بیشتر متون دینی زرتشتی به چشم می‌خورد. از جمله این آثار متن پهلوی پرسش‌ها است که از متون ارزنده به زبان فارسی میانه است که به اهمیت و جایگاه مسائل اخلاقی بسیار پرداخته است. زبان فارسی میانه دنباله زبان فارسی باستان است. به این زبان پهلوی و پهلوی ساسانی گفته می‌شود. این زبان در دوره ساسانی زبان رسمی ایران بوده است (آموزگار، ۱۳۷۳، ۱۵۶). پرسش‌ها (pursišnīhā) به معنای پرسش‌ها و مجموعه‌ای از پنجاه‌ونه پرسش و پاسخ در موضوعات دینی است. این کتاب را در شمار کتاب و رساله‌هایی به زبان پهلوی باید دانست که به قوانین دینی و حقوقی می‌پردازد، مانند شایست ناشایست، روایت امید اشوهستان، ماتیکان هزارستان، روایت آذر فرنیخ فرخزادان، روایت فرنیخ سروش و پیمان‌نامه زناشویی است (تفضلی، ۱۳۷۶، ۱۲). پرسش‌های مطرح شده در این کتاب در مورد مطالب گوناگون است از جمله: مناسک دینی، مطالب فقهی و حقوقی، اندرزها و دستورهای اخلاقی، ثواب و گناه و مطالعه درباره زندگی پس از مرگ. در این مقاله به بررسی بندهایی که اثر ثواب و گناه و تاثیر آن در زندگی پس از مرگ را بیان کرده می‌پردازیم.



### آثار ثواب و گناه در زندگی پس از مرگ بر اساس متن پهلوی پرسشها:

1. mardōm kē tā tan ī pasēn pad dušox u-š kār ud kirbag kard ēstēd; pad ān kār ud kirbag ī-š kard ēstēd; ēg-iš mizd ud pādāš dahēnd ayāb nē?

- nē, az abestāg <paydāg> : kē ō ōy nē bē dahēnd tā ō ān ī abdom axwān wardišn, tā tan ī pasēn, tā-š pādifrāh kunēnd; a-š mizd nē dahēnd.

<آن مردم که تا تن پسین (۱) در دوزخ > باشد < ولی کار و کرفه (۲) کرده است؛ > آیا < به واسطه آن کار و کرفه‌ای که او کرده است؛ پس او را مزد و پاداش دهند یا نه؟  
- نه، > این حکم < از اوستا پیدا است: که به او ندهند تا به گردش فرجامین هستی (۳) تا تن پسین، تا او را پادافره کنند؛ پس او را > تا آن زمان < مزد ندهند.

2. kē mard ī ahlaw ud ātaxš ī ohrmazd pus nē [pad] dōst, u-š kār ud kirbag ud dudigar dōst ud yazišn ē yazdān kunēd, ēg-iš ruwān tuwān bōxtan? ud pad ruwān tis-iz sūd dārēd ō ān ī pahlom axwān rasēd ayāb nē?

- nē! čē kē mard ī ahlaw ud ataxš ī wahrām nē dōst, ohrmazd nē dōst, kē ohrmazd nē dōst, ēg-iš kār ud kirbag nē bawēd. "mā. zī. ahmi. nmāne. mā. aṅhe. vis<i>. mā. ahmi. zaṅt<u>uō. mā. aṅhe. daṅhuuō. frīm. vaocata. mam. yim. ahurəm. mazdām." ma [man] andar ān mān mā andar ān wis ud mā ān zand ud mā andar ān deh dōst gōwē ō man kē ohrmazd hēm. "yaθa. mē. nōit. ātarš. ahurahe. mazdā. friiō. aṅhaṭ. nāca. ašauua. frāiiō-humatō. frāiiō-hūxtō. frāiiō-huua<r>štō." kū andar ān nē ān ī amā ātaxš ī ohrmazd dōst hēnd mard ī ahlaw ī freh-hūmat ī freh-hūxt ī freh-huwaršt.

< اگر کسی > که مرد پارسا و آتش هر مزد پسر (۴) (= پسر هر مزد) > را < دوست > نباشد، < ولی کار و کرفه و دیگر > را < دوست > باشد < و یزشن یزدان همی کند، پس او را روان تواند رستگار شود؟ > و < آیا > برای روان چیزی نیز سود دارد > و < به بهشت برین رسد یا نه؟

- نه! چه، < کسی > که مرد اشو و آتش بهرام (۵) را دوست > نباشد، هر مزد > را < دوست نیست، > و اگر < کسی هر مزد را دوست نباشد، پس او را کار و کرفه نیست (= در نظر گرفته نمی شود).

"بنابراین نه در این مان، نه در این ویس، نه در این زنتو، نه در این دیه، < نمی توان > دوست خواند مرا که اهورامزدایم."

نه مرا اندر آن مان، نه اندر آن ویس و نه اندر آن زند و نه اندر آن ده (= کشور) دوست نگویی به من که هر مزد هستم.



"که برای من آتش اهورامزدا دوست نباشد و نه مرداشو، پیشی گرفته در اندیشه نیک، پیشی گرفته در گفتار نیک، پیشی گرفته در کردار نیک."

که در آن آتش هر مزدا دوست نیستند < و > نه مرد اشو از اندیشه عالی از گفتار عالی از کردار عالی.

3. *kē wināh kard ēstēd, pad ān and čand-iš wināh kard ēstēd kirbag abāz kunēd, ēg-iš ān wināh az bun bē šawēd ayāb nē?*

- *bē šawēd! az abestāg paydāg: "tanu-mazō. ašaiiāiti. yō. tanu-mazō. <d> rao<x>šat."* tan masāy ēd ahlāyēnēd kū kirbag ēd tanāpuh ēd kunēd, ka-š tan masāy pad drōzišn druxt hād, kū-š wināh ēd tanāpuhl kard hād. "tanu-mazō. zī. aēt<a>mcit. ašaiiām. p<a>fre." ka az tan-masay ōy ahlāyīh hanbārēd kū-š kirbag ēd tanāpuhl kard. "yō. nōiṭ. yauua. miθō. mamne. nōiṭ. miθō. vauuaca. nōiṭ. v<ā>uuarəza." ka-š nē hagriz m<ēt> mēnēd, u-š nē hagriz m<ēt> guft, u-š nē hagriz m<ēt> kard.

< اگر > کسی گناه کرده است، < و > به آن چندانش < که > گناه کرده است، کرفه باز (= دوباره) کند، پس او را آن گناه از بُن بشود (= پاک شود) یا نه؟

- بشود < و گناه زائل گردد! > این حکم < از اوستا پیدا > است < از اندازه تن نیکی می کند، کسی که از اندازه تن بدی کرده باشد > به اندازه تن این کار نیک انجام می دهد که کرفه این تنافور (۶) این می کند، که او به اندازه تن با فریب مرتکب عمل بد می شود، که او گناه این تنافور کرده باشد. " از اندازه تن بنابراین عمل نیک را انبار می کند. " که از اندازه تن او کار نیک را انبار می کند که او کرفه این تنافور کرده < است > . " زمانی که او هرگز اندیشه بد نمی کند، سخن بد نگفته، عمل < بد > نکرده. " زمانی < که > او هرگز اندیشه بد نمی کند، سخن بد نگفته، عمل < بد > نکرده. " زمانی < که > او هرگز اندیشه بد نمی کند و او هرگز سخن بد نگفته و او هرگز عمل بد نکرده.

4. *mard-ē hāwišt-ē ast ud ān hāwišt kirbag ī pad [ud] rāh ī-š az wehdēnān abar šawēd, ān-iz ī hāwištān ōy hāwišt kunēd ān hērbed naxustēn ān kirbagīhā abar šawēd ayāb nē?*

- *ān kirbag ī pad dād rāh ī ōy hāwišt[ān] rasēd, ō hērbed nē rasēd, ān ī pad hammōzišn hāwišt ō any hāwišt hammōxtan hērbed-iz ō bawēd. "aēibiiō. yō<i>. īt, aθ<a>. vərəziiān. yaθā. īt. astī."* awēšān ī an-ī hērbed ēdōn čiyōn, ān ī warzēnd kū ān ī hāwišt kunēd, a-š abar ō šawēd, ān ī hāwišt az kasān abar šawēd, a-š abar nē šawēd "ahur<ahii>ā. zī. at. və. mazdā. yasnəmc<ā>. vahməmc<ā>. vahištəm" ān ī ohrmazd yazišn niyāyišn az ān ī ašmā pahlom.



مردی < که > هاوشت (V) است و آن هاوشت کرفه < را > طبق داد راه از بهدینان ابر شود (= بدست آورد)، آن < ثواب > هاوشتان نیز < که > آن هاوشت کند < به > آن هیربد (A) نخستین آن ثوابها ابر شود (= برسد) یا نه؟ - آن کرفه طبق دادراه (= اصول) < به > آن هاوشت رسد، < و > به هیربد نرسد، و آن (= ثواب) برای آموزش هاوشت به دیگر هاوشت آموختن < برای > هیربد نیاز باشد.

"برای آنهایی که آن را چنین ورزند بدرستی آن است."

آنهایی که هیربد < دیگر، انجام دهد > چنان < مانند است که > آنها انجام دهند که آن < چه > هاوشت کند پس او را (= هیربد) ابر شود (= رسد) < و > آنچه که هاوشت از کسان < دیگر > ابر شود، پس او را (= هیربد) ابر نشود (= به هیربد نرسد).

"برای پرستش < و > نیایش اهورامزدا را < در نظر گرفتیم > بهترین برای شما."

یزشن < و > نیایش هرمزد از آن شما (= از برای شما) بهترین است < است >.

5. widarg ī ō ān pahlom axwān kē xwār bē kunēd? ruwān ī widerān a-š ān kadām yazadān āsānīh dādārtar?

- ašawahišt pad ayārīh ī dastwrān, u-š[ān] az buland warzīsīnīh humēnišnīh gyāg ī nēk ōy ī ahlaw ī bē widard, ēg-iš ham ašawahišt āsānīh dahēd. "ašāi. vahištāi. yat. hu<p> ərəθβəm. daštō-ratu." kē-š widarg ō ōy ī murd kē ēdar dastwar dārēd a-š rāh ānōh xwār bē kunēd "bərəzat. varəzi. haomanaḡhəm." u-š buland warzišnīh humēnišnīh. "yat. irīriθān<ah>e. ašaonō. šātəm. daθāiti. uruuānəm." kē ōy bē widard ahlaw a-š āsānīh dahēd ō ruwān.

راه < را برای رسیدن > به آن بهشت برین چه کسی آسان بکند؟ < به > روان مردگان، پس او را آن کدام ایزد آسانی دهنده تر < است >؟

- اردیبهشت (۹) با کمک دستوران، و بواسطه عمل بلند < و متعالی > و اندیشه نیک، به جای نیک آن اشو گذر کند، پس او را همان اردیبهشت آسانی دهد. "برای اردیبهشت که به آسانی گذرنده < است با کسی که > حرمت گذارد ردی را." < ادیبهشت > که او < آماده می کند > راه را برای آن مرده که اینجا (= در این دنیا) دستور دارد و او راه را آنجا (= دنیای دیگر) آسان می کند. "بلند (= متعالی) و < داشتن > اندیشه نیک در کار." و کار بلند < و > اندیشه نیک < او >. "کسی که شادی روان اشوی مرده را می دهد." < که > اردیبهشت < به روان آن اشوی مرده آسانی دهد.

6. ka mardōm hamāg dām < ī > ōhrmazd hēnd ud ōhrmazd xwābar ēn xwābar ēn agdēnān <ud> anērān kē pad dōstīh ī ohrnazd agdēnīh ud anērīh kunēnd. ēg-šān pad mēnōgān kār čiyōn bawēd?





- agdēn ud anēr az ān čiyōn pad frehbūd ud abēbūd was kirbag pad wināh <ud> was wināh pad kirbag pad kard dārēnd, u-šān dušammōxtīh ī ō mard ī ahlaw <ud> ātaxš ī wahrām čīhrīg nē pad dōst< īh > < ī > ohrmazd dārišn ān kē nē pad dōstīh ī ohrmazd dārišn ahlaw būdan nē tuwān. “mā. zī. [mā]. ahmi. nmāne. mā. aṅhe. vis< i >. mā. ahmi zantuuō. mā. aṅhe. daṅh<u>uō. frīm. vaocata. maṃ. yīm. ahurəm. mazdam.” ma andar ān mān ma andar ān wis ud ma andar ān zand ud ma andar ān deh < dōst > gōwē ō man kē aohrmazd hēm, ma gōw kū-m dōst hēnd. yaθa. mē. nōit. ātarš. ahurahe. mazdā. friiō. aṅhaṭ. nāca. ašauua. frāiiō-humatō. frāiiō-hūxtō. frāiiō-huar< š > tō. kū andar ān nē ān ī amā ātaxš ī ohrmazd dōst hēnd ud mard-iz ī ahlaw ī frēh-humat < ī > frēh-hūxt ī frēh-huwašt nē dōst hēnd.

اگر مردم که همه آفریده هرمزد هستند و هرمزد که بخشنده > و مهربان است < این بددینان و انیران (= غیر ایرانیان) که در دوستی هرمزد که بددینی و انیرانی کنند، پس آنها را در > دنیای < مینوان کار چگونه باشد؟  
- بددین و انیر از آن روی که در افزونی و کاستی > عمل می کند < بسیار کرفه را به جای گناه و بسیار گناه به جای کرفه به کار می دارند و برای آنها، آموزش بد به مرد اشو و آتش بهرام فطری > و ذاتی است < نه هرمزد را به دوستی دارند > و دوست شمارند، و < آن که هرمزد را به دوستی ندارد، اشو بودن را نمی تواند.  
"بنابراین، نه در این مان، نه در این ویس، نه در این زنتو، نه در این دیه (= سرزمین) دوست نگو مرا که اهورامزدایم."  
نه در آن خانه، نه در آن روستا و نه در آن سرزمین و نه در آن کشور، مبادا که دوست گویی به من که هرمزد هستم، نگو که > آنها < دوست من هستند.  
"اینکه آتش اهورامزداي من و مرد اشو که در نیک اندیشی بسیار، در نیک گفتاری بسیار، در نیک کرداری بسیار > است < دوست نباشد."  
که در آن آتش ما، هرمزد را دوست نیستند و نیز مرد اشو بسیار نیک اندیش، بسیار نیک گفتار، بسیار نیک کردار را دوست نیستند.



### نتیجه گیری:

با توجه به توضیحات و مطالب آورده شده از بندهایی از متن پهلوی پرسش‌ها می‌توان به تاثیرات ثواب و گناه و همچنین به مطالبی درباره زندگی پس از مرگ پی برد. از جمله اهمیت مجازات گناهان در روز رستاخیز (بند ۱) اهمیت و تقدس آتش مقدس بهرام و اهورامزدا و این که کسی که اهورا مزدا را دوست نداشته پس کار و کرفه او در نظر گرفته نمی‌شود و به بهشت برین نمی‌رود. (بند ۲) اثر کرفه (= کار نیک) به آن اندازه است که اگر کسی گناهی کرده باشد ولی در عوض نیکی بسیار کند، جبران گناه می‌شود (بند ۳) ثواب و کرفه‌ای که به روحانی دین در نتیجه آموزش دین می‌رسد (بند ۴) نقش اردیبهشت امشاسپند که راه را برای رسیدن به بهشت برین برای کسانی که کار نیک انجام داده‌اند آسان می‌کند (بند ۵) و در نهایت افراد بددین که بسیار کار نیک را به جای گناه و بسیار گناه را به جای کرفه و کار نیک به کار می‌دارند را نمی‌توان پاک طینت، مقدس و روشن ضمیر به حساب آورد (بند ۶).



### پی نوشت:

- ۱- تن پسین یا بدن آخرین و نهایی، آن تن است که عالمیان پس از رستاخیز آن را جاودانه خواهد داشت و نامردنی و بی آسیب و کامل است (بهار، ۱۳۷۵، ۲۲۹).
- ۲- کرفه، پهلوی: kirbag  
کرفه، ثواب و وظیفه مذهبی است که در مقابل گناه است (فروه‌وشی، ۱۳۵۲، ۲۶۸)
- ۳- واژه axw- از a-hū اوستایی می آید: هستی، نیروی حیاتی و وظیفه آن نگهداری تن و تنظیم زیست طبیعی آن است. معنای abdom axwān «فرجامین هستی» است (مزداپور، ۱۳۶۹، ۸۶).
- ۴- در جایی آتش را پسر اهورامزدا می دانند و در جایی زمین را دختر اهورامزدا که باید گفت منظور آتش اهورامزدا داده یا آفریده اهورامزدا، بوده است و این تمثیلهای اشاره‌ای به بار آوردن گی زمین و چالاکی و نیرو و پرتلاشی آتش بوده است (اوشیدری، ۱۳۷۴، ۶۱).
- ۵- آتش بهرام: پارسیان سه نوع آتش دارند که بنابر اهمیت مرتبه عبارتند از آتش بهرام، آدُران و دادگاه. آتش بهرام با تشریفات خاصی از شانزده آتش مختلف تهیه و تطهیر می شوند و شاه پیروزمند آتش است به نام اومزد این آتش را به یاری می خوانند و از او می خواهند که در برابر قوای تاریکی آنان را نیرو بخشد و در واقع نمادی است از راستکاری (آموزگار- تفضلی، ۱۳۶۸، ۱۷۹).
- ۶- تاپور: پهلوی tanāpuhl  
حدی از گناه است که مانع عبور گناهکار از پل چنود می شود. تاپور کرفه عمل و کاری است نیکو که همسنگ باشد با یک تاپور گناه و آن را جبران کند (بهار، ۱۳۷۵، ۲۹۷).
- ۷- هاوشت: پهلوی hāwišt  
هاوشت در لغت به معنای شاگرد و پیرو است و از کاربرد واژه برمی آید که یکی از مراتب روحانیت است.  
واژه hušt در دری زرتشتی که باید صورت تازه hāwšht باشد بر موبدانی اطلاق می شود که اداره امور دینی را در بخش و حوزه خاصی برعهده دارند (مزداپور، ۱۳۶۹، ۱۲۷).
- ۸- هیربد، پهلوی hērbēd  
هیربد پیشوای دین زرتشتی، خادم و خدمتکار آتشکده را گویند (فروه‌وشی، ۱۳۵۲، ۲۱۶).
- ۹- اهمیت اردیبهشت، علاوه بر نقش او به عنوان دومین امشاسپند دین زرتشتی، در رابطه با نماز اشم و هو که نماز اشه و هشت (= اردیبهشت) نیز خوانده می شود و اثری است که خواندن این نماز بر دفع آفات و بلاها و بدیهای اهریمنی دارد و آسایش روانی است که می دهد (میرفخرائی، ۱۳۶۷، ۱۸۵).





### کتاب‌نامه:

- آموزگار، ژاله - تفضلی، احمد (مترجمان) (۱۳۶۸)، **شناخت اساطیر ایران**، جان هینلز، انتشارات چشمه.
- آموزگار، ژاله - تفضلی، احمد، (۱۳۷۳)، **زبان پهلوی ادبیات و دستور آن**، انتشارات معین.
- اوشیدری، جهانگیر، (۱۳۷۴)، **دانشنامه مزدیسنا**، انتشارات مرکز.
- بهار، مهرداد، (۱۳۷۵)، **پژوهشی در اساطیر ایران**، انتشارات آگه.
- تفضلی، احمد، (۱۳۷۶)، **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**، به کوشش ژاله آموزگار، انتشارات سخن.
- فره‌وشی، بهرام، (۱۳۵۲)، **فرهنگ پهلوی**، انتشارات دانشگاه تهران.
- مزدپور، کتایون، (۱۳۶۹)، **نشایست ناشایست**، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- میرفخرائی، مهشید، (۱۳۶۷)، **روایت پهلوی**، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.



### The effects of reward and sin on afterlife based on zoroastrian texts

**Zahra Tabrizi Shahrovi**

Ancient Culture and Language Department, Hamedan Branch, Islamic Azad University  
Hamedan, Iran

#### **Abstract**

Zoroastrian believe in afterlife, this subject has mentioned repeatedly in Pahlavi and Avestan texts. In the Zoroastrian religion punishment and reward and the three places of heaven, hell and hamēstagān is considered for sinners and benefactors. Man's destiny is affected by his voluntary actions. In the most Pahlavi texts, the result of reward and sin, which is based on Zoroastrian religious traditions in the Sassanid era has been mentioned. These works have been compiled mainly in the first centuries of the Islamic period. They basically command to good deeds and avoid from the sin and punishment of sinners in the hereafter, generosity and truthfulness. The famous religious works in the Pahlavi language that are full of religious affairs are:

shāyēst nē shāyest, Revayat omid Ashavaheshtān; mātikān hezār dādēstān; pursishnīhā and paymān nāmē zanāshoyī. All these works have dealt with the value of moral issues.

**Keywords:** Zoroastrian texts, Reward, Sin, Punishment, Hereafter, Pursishnīhā